

اعتراض به سی و چهارمین هنگامه

امیرفیض-حقوقدان

آقای اهوراپیروز یزدی، به سی و چهارمین هنگامه اعتراضی وارد دانسته اند که از جاوید ایران درخواست شد آنرا باستحضار خوانندگان هنگامه مذکور برسانند.

اعتراض ایشان باین عبارت شروع شده است >بسیارمتاسفم که آقای امیرفیض چنین تهمت های بی اساس و دروغین رادرپاره کدبان محمود فروغی میزنند<

اعتراض مفصل ایشان متوجه ماهیت هنگامه نیست بلکه به قول خودشان تهمت هائی است که بنده به آقای فروغی زدم با اینحال دررفع آن تهمت ها! مطلبی دراعتراض ایشان نیست و دفاع وتوضیح ایشان براین پایه است که آقای فروغی شخصیتی پاک، شاه دوست ومیهن پرست ومنظم ومرتب درکاربوده اند، ودرایمی که دبیراولی دبیرخانه راداشته نظم و نسقی که بعدها هم دیده نشد به دبیرخانه دادند.

درمورد شخصیت اداری آقای فروغی همان است که آقای اهورا درست اشاره کرده اند ودراسناد سفارت آمریکا هم سندی است که از آقای محمود فروغی بنام یک «جنتلمن» یاد کرده است. اصولا میتوان اصل رابراین گرفت که شخصیت های وزارت خارجه آنها درحد معاونت وسفیرکبیراشخاصی مرتب ومدیروناظم خوبی بودند چنانکه آقای محمود فروغی هم دبیراول خوبی از نظراداری بوده اند ولی اینکه عقیده سیاسی آن اشخاص چیست هیچ رابطه بانظم اداری ومدیریت آنها ندارد.

درجامعه بسیارحساس مبارزه ایرانیان، مسئله ای که میتواند بارسنگینی از مبارزه رامتحمل شود اعتقاد هماهنگ است و همچنین بارزه ای که میتواند مبارزه رابکل سرنگون سازد، بی اعتنائی به مسئله اعتقاد است واینکه انسان به سوابق اشخاص واسناد و آقاری آنها بی اعتنابوده وبه اعتبارسابقه خدمت ویابستگی خانواده ویالفاظی ها بارحساس وسنگینی از مبارزه رابردوش آنها بگذارد سهل انگاری جبران ناپذیراست. این درست مائند آن است که انسان ازسابقه وعادت قاطری که بار را می اندازدو بطرف طویله فرارمیکند آگاه باشد، معهدا بارگران قیمتی راحمل برآن قاطر بنماید به اعتباراینکه پالان خوبی دارد.

اسنادی که از آقای فروغی ارائه شد نشانی کامل ودرعین حال حیرت آور ازعلاقه ایشان به جناح آمریکائی شورش ۵۷ است وحال اگرکسانی باتوجه به آن اسناد هنوز هم فکرمیکنند که ایشان شاهدوست ومیهن پرست بوده اند مسئله ای است که مربوط به خودشان است ولی این قبیل توجهات خاص ناسخ ویا مبطل اظهارات آقای فروغی درحمایت ازبازرگان و دید گاه های نامردانه اونسبت به شاهنشاه ایران نمیشود.^۱

یکی از فضلا بیتی دارد که میگوید >سوابق است که هم نظم وهم مقام دهد<

مقصود از مقام، در عبارت بالا شخصیت اجتماعی است، که باملات عقیده سیاسی بناشده است. آقای محمود فروغی باتوجه به بخشی از عقیده سیاسی ایشان که مشروح آن درسی وچهارمین هنگامه بیان شده است فاقد شخصیت اجتماعی

^۱ - دو شخصیت دیگری که در خط مقدم مبارزه هستند ولی مجاز نیستیم نام آنها را ببرم، پس از انتشار هنگامه ۳۴ در تماس تلفنی موضوع ملاقات آقای محمود فروغی با هنری برشت را تایید و گفته های آقای فروغی علیه شاهنشاه را تایید کردند. یکی از آنان شرحی هم می دادند که با نوشته ها متن هنگامه ۳۴ مطابق بود. چیزی که از نظر دیپلماسی در جریان بوده اند بدون استناد به اسناد سفارت آمریکا. ح-ک هنگامه ها در رفع نقیصه ها - ۳۴- محمودفروغی-هنری برشت- ۱۰ آگوست ۲۰۱۲ یا

سیاسی در چهارچوب تداوم سلطنت و قانون اساسی و متمم آن است و البته که شخصیت سیاسی ایشان از نظر نهضت آزادی محفوظ و جای مشخصی دارد.

تکیه گاه سی و چهارمین هنگامه متوجه عقیده سیاسی آقای محمود فروغی بود نه میهن پرستی که با همراه و همفکر و معاضد بودن ایشان با نهضت آزادی و بازرگان منافاتی ندارد.^۲

امید وارم آقای اهورا پیروزی‌دی، از خودشان این سوال رایکنند که چگونه میشود وقتی هویدا به ایشان پیشنهاد مقام وزیری دربار را میکند قبول نکند؟ مستند همان سند سفارت آمریکا - ویکراسهت به آمریکا بروند و فوراً تقاضای تابعیت آمریکا را بنمایند؟!

یکی از بزرگان میگوید «دوستان بهنگام رفتاری دوست، شناخته میشوند» یعنی به هنگام رفتاری و افتادگی است که مرد و نامرد شناخته میشود، تصور نمیکنم که انصاف و وجدان اجازه دهد که انسان به توصیه هائی که آقای محمود فروغی به آمریکائی‌ها در مورد عدم پذیرش شاه کرده است، بتوان عنوان پرافتخار شاهدوستی رابه او داد.

تهمت های بی اساس و دروغین آنچه درسی و چهارمین هنگامه آمده نیست زیرا مستند است تهمت های بی اساس و دروغین اظهارات فروغی است که به هنری برشت میگوید.

«شاه بسختی مورد تنفر است و از ایرانیان هیچکس پشیمان نیست»

فکر میکنم جادارد آقای اهورای یزدی اتهام تهمت و دروغ زنی را استرداد کنند.

این استیضاح برتحریرسی و چهارمین هنگامه وارد است که آنطور که لازم بود اثر اعلامیه اعلیحضرت در تجلیل از شریعتمداری تشریح نگردید تا معلوم شود که همان اعلامیه که دست پخت آقای محمود فروغی بوده چگونه حقانیت فلسفه مبارزه سلطنت طلبان رابه زیر سوال سنگین خردکننده ای کشیده است، زیرا خیلی اشخاص هستند که به بازرگان و نهضت آزادی وفادارند ولی باورهایشان در تخریب حقانیت تداوم مشروعیت سلطنت بکار گرفته نشده است یعنی در موقعیتی قرار نگرفتند که بتوانند باورهایشان را از قوه به فعل در آورند، ولی آقای محمود فروغی در چنین موقعیتی در حساسترین پایگاه مبارزاتی قرار گرفتند.

خطر آنجا است که گرگها به لباس میش در آیند که متاسفانه آمدند - یکی از بزرگان سخنی دارد که شاهد کلام است:

«خنده دارترین داستانها آنست که گرگها بخواهند به لباس میش در آیند ولی فکاهی تر از آن این است که چوپانان بخواهند گرگها را به لباس میشان در آورند تا همیشه از آنها نترسند»

^۲ - یک کومونیست با وجود وابستگی اش مدعی است میهن پرست است، همه کسانی که در شورش ۲۵۱۷ (۱۳۵۷) شرکت کرده و حتا فرزندان رشید ایران را اعدام و به گوش آنان سیلی زده اند ادعای میهن پرستی کرده اند ولی در اصل در پوشش میهن پرستی در خدمت «آمریکا» و در خدمت بیگانه به کشور صدمه زده اند. محمد مصدق هم در قالب این تظاهر صدمات زیادی به کشور زده است که امروز آشکار و همانند آفتاب روشن است. ح-ک